



● نقش والدین در این انتخاب چگونه است؟

ابتدا باید بگویم والدین می‌توانند در بحث ازدواج فقط آگاهی دهند. من همیشه یک جمله به والدین می‌گویم: من و شما دوره جوانی را گذرانده‌ایم، من و شما تجربه کرده‌ایم و می‌توانیم از زاویه دید فرزندان به داستان نگاه کنیم. دختر جوان تجربه و نگرانی شما را ندارد و نمی‌تواند درک کند و شما باید به عنوان یک والد، در این شرایط با فرزند خود همسوتر باشید. قطعاً اگر رابطه پدر و مادر با جوان خوب باشد، جوان‌شان پذیرش بیشتری دارد؛ یعنی اگر با کسی آشنا شود، ابتدا به پدر و مادرش اطلاع می‌دهد. اما اگر رابطه با پدر و مادر خوب نباشد و دائم بحث و مخالفت داشته باشند، جوان نسبت به پدر و مادر گارد می‌گیرد. پدر و مادر باید در کنار فرزندشان بنشینند و ویژگی‌های شخص مقابل را بررسی کنند و از همان ابتدا نباید نسبت به انتخاب جوان خود گارد بگیرند. اگر بدترین حالت را در نظر بگیریم، دختر شما به پسر علاقه مند می‌شود که هیچ ویژگی مثبتی ندارد؛ اما باید این را در نظر بگیرید که درون آن فرد چیزی بوده که دخترتان را جذب کرده است. شاید یک خلأ درون دختر شما وجود دارد. اگر دختر خانم جذب پسر شده که از نظر رفتارهای هشدارگونه دارد. مثلاً تتهوای عجیب و غریب، اعتیاد به برخی مواد، یا مشکل و قطع رابطه با خانواده‌اش. باید بدانیم خلأیی در دختر وجود دارد که جذب این پسر شده است. در چنین شرایطی باید درمان آغاز شود و به دختر آگاهی داد؛ یعنی مزایا و معایب این ازدواج را به او گفت.

بستر گفت‌وگو باید میان جوان و والدین باز باشد و گفت‌وگوی والدین در بحث ازدواج باید صادقانه، شفاف، منطقی و بدون توهین، تحقیر و تهدید باشد. اگر درون خانواده باب مهارت ارتباط باز باشد، قطعاً مسیر ازدواج درست پیش می‌رود. کسانی به تله می‌افتند که قبلاً هم ارتباطشان مخدوش بوده و اکنون، در این انتخاب مهم، فرزند حرف‌شنوی ندارد.

خیلی مواقع، والدین می‌خواهند بسیاری از چیزهایی که خودشان به آن نرسیده‌اند برای فرزندشان اتفاق بیفتد، به عنوان مثال، مادر می‌گوید: «تو فقط باید با یک کاسب ازدواج کنی؛ چون من با پدرت که یک کارمند بود، زیاد سختی کشیدم، یا فقط باید خانه و ماشین داشته باش» در حالی که پدر و مادر هنوز خودشان مستاجر هستند!

خودمان را باید جای طرف مقابل بگذاریم؛ قرار نیست فقط ما بپسندیم، بلکه طرف مقابل هم باید بپسندد. هر چه مشابهت‌ها میان دو فرد و خانواده بیشتر باشد، پایداری ازدواج نیز بیشتر است. هر چه فرهنگ‌ها شبیه‌تر باشد، بهتر است؛ اما تفاوت زیاد هم بد نیست، ولی دختر خانم مسیر سختی را در زندگی پیش رو دارد. باید در بحث ازدواج، گاهی بپذیریم که تفاوت وجود دارد و برای این تفاوت‌ها خودمان را آماده کنیم. والدین نباید روبرو به روی فرزند قرار بگیرند، بلکه باید در کنارش باشند و جنگ نکنند. حرف و خواسته‌اش را بشنویم.

● بعضی وقت‌ها پسرها شعارهایی می‌دهند و ادعاهایی می‌کنند، مثل اینکه به خاطر تو مثلاً سیگار را ترک می‌کنم یا خودم را می‌کشم و از این حرف‌ها. آیا این افراد گزینه مناسبی می‌توانند باشند؟

اولین سؤال این است که اصلاً چنین فردی عاشق است؟ به عنوان مثال مراجعه‌کننده‌ای پیش من آمده و می‌گوید: خواستگارم بنزین آورد جلوی خانه ما و به پدرم گفت: «اگر به دخترم نرسم خودم را می‌کشم!»



باید بگویم این نشانه عشق نیست، بلکه نشانه این است که این فرد خودش را دوست ندارد بعد چطور می‌خواهد شما را دوست داشته باشد؟ چون از پدر شما جواب منفی شنیده، نباید خودش را بکشد. هنگامی که چنین کار حماقت‌آمیزی را انجام می‌دهد یعنی مهارت حل مسئله بلد نیست. در آینده هم هر مشکلی پیدا کنید سریع این آقا دبه بنزینش را به دست می‌گیرد!

● چه رازها و حرف‌هایی را از گذشته‌مان به گزینه ازدواجمان باید بگوییم؟

بر اساس اصول روان‌شناسی ما موظفیم مواردی مانند نامزدی، بیماری‌های خاص، عمل‌های جراحی مهم، کوتاه‌تر بودن یک پا از پای دیگر، بیماری‌هایی که به درمان طولانی‌مدت نیاز دارد مثل ام‌اس، بیماری‌هایی که عواقب نازایی دارد و دیگر موارد را حتماً به طرف مقابل بگوییم. اینکه کی و کجا بگوییم متفاوت است حتماً هم لازم نیست در جلسه خواستگاری جلوی همه بگویید، می‌توانید جلسات دوم و سوم خواستگاری فقط به آن آقا پسر یا دختر خانم بگویید. اما مواردی مانند ازدواج مجدد پدر، طلاق خواهر یا برادر ربطی به طرف مقابل ندارد. اما سابقه اعتیاد، زندان، بیماری خاص و هر چیزی را باید خود دختر و پسر ابتدا بگویند. من همیشه می‌گویم جراحی‌هایی که در ظاهر شخص مؤثر است حتماً باید به طرف مقابل بگوید حتی من به دختر خانم‌ها می‌گویم ظاهر تان از آن چیزی که هستید در جلسه خواستگاری ساده‌تر باشد. به عنوان مثال اگر قد شما کوتاه است چند جلسه بدون کفش پاشنه بلند باشید، چون بعضی‌ها روی یکسری چیزهایی حساسیت‌هایی دارند که ما نمی‌دانیم و باید تا جایی

که می‌توانید صادقانه و شفاف با خانواده طرف مقابل رفتار کنید.

● پس گاهی هم باید حواسمان به سوءتفاهم‌ها باشد!

هیچ خانواده‌ای نمی‌گوید دختر من بی حجاب است، منتها یکسری بلوز و شلوار را حجاب می‌دانند و گروه دیگر مانتو و روسری یا چادر را حجاب می‌دانند. باید دختر و پسر تعریف خود را از حجاب بگویند حتی من برای مراجع که برای پیش از ازدواج آمده مثال می‌زنم، مثلاً عروسی خواهر این آقا است شما جلوی نامحرم که وارد تالار زنانه می‌شوند چگونه حجاب می‌کنید؟ دختر خانم گفت: با همان لباسی که تنم هست می‌مانم و آقا پسر تعجب کرد ولی دختر خانم گفت پیراهن از نظر من حجاب محسوب می‌شود در صورتی که آقا پسر گفت تو باید شال و مانتو بپوشی! حدود ۱۰ جلسه از خواستگاری‌شان گذشته بود، ولی هنوز تعریف دقیق حجاب را جلوی همدیگر نگفته بودند. تعریف از خیانت چیست؟ یک نفر می‌گوید گفت و گویا احتیاط با همکار در محیط کار خیانت نیست، اما طرف مقابل می‌گوید لزومی ندارد به همکار ت بگویی: سلام خوبی؟ باید بگویی: سلام خوبی؟ بعد طرف مقابل می‌گوید من با دختر خاله‌ام هم صمیمی هستم و مشکلی ندارم یا می‌گوید با پسر خاله‌ام هم راحت گفت‌وگو می‌کنم یا به هم دست می‌دهیم. باید بدانید در روند جلسات خواستگاری اطلاعات همدیگر را بگیرید به جای اینکه مدام اطلاعات بدهید. مثلاً دختر خانم: گفته باشم من از سیگار خیلی بدم می‌آید، آقا پسر: من یک بار هم تا به حال سمت سیگار نرفتم. هیچ کس روز خواستگاری نمی‌گوید سیگار می‌کشم یا وقتی عصبانی می‌شوم یک سیلی هم می‌زنم، دو بار مادرم را هل دادم چهار بار هم خواهرم را کتک زدم! پس باید در شرایط و مکان‌های مختلف شخص را کامل بررسی کنیم.

● پیش نیازهای جلسه خواستگاری برای یک دختر چیست؟

پیش از شروع جلسات خواستگاری دختر خانم ملاک‌های اصلی و فرعی خود را یادداشت کند. حتی می‌توانید با فرد مشاور و خانواده مشورت کنید و باید اولویت‌بندی کنید که هر کدام را طرف مقابل نداشت لزومی ندارد جلسات ادامه پیدا کند. مثلاً اختلاف سنی برای یکسری مهم است که دختر نباید حتی یک روز از پسر بزرگ‌تر باشد. در جلسات خواستگاری خانواده دختر پذیرایی می‌کنند، اما باید نحوه خرج کردن پسر را هم دید یا مثلاً در جلسه خواستگاری پسر برای پاسخ هر سؤال به مادرش نگاه می‌کند یا خیلی سر به زیر و مؤدب است اما در واقع باید جلساتی هم در بیرون برگزار شود که رفتار و خرج کردن آقا پسر را دید یا مثلاً وقتی پشت فرمان می‌نشیند از آن دسته از افرادی است که شروع به فحش دادن می‌کنند. برگزاری این جلسات باید بنا بر چهارچوب خانواده باشد و نیاز است خارج از خانه مثلاً در کافی‌شاپ، رستوران یا موارد دیگر برگزار شود.

● با این اوصاف مشاوره پیش از ازدواج خیلی می‌تواند کمک‌کننده باشد!

مشاوره پیش از ازدواج برای این است که فرد خودش و دلیل انتخابش را بشناسد و اگر خلأ‌هایی هست آن‌ها را درمان کند. مثلاً فرد می‌گوید برای فرار از تنهایی می‌خواهم ازدواج کنم و باید این احساس درون شخص درمان شود. حتی در مناطق محروم بعضاً شنیدم برای اینکه دختر خانم به گوشه برسد می‌خواهد ازدواج بکند که آقا پسر برایش بخرد یا نیازهای مالی‌اش برطرف شود.

خودمان را باید جای

طرف مقابل بگذاریم؛

قرار نیست فقط

ما بپسندیم، بلکه

طرف مقابل هم

باید بپسندد. هر چه

مشابهت‌ها میان دو

فرد و خانواده بیشتر

باشد، پایداری ازدواج

نیز بیشتر است